

بازبینی ساخت دستوری جمله در نظریه‌های زبان‌شناسی معاصر بر اساس دستورهای نگارش یافته در زبان فارسی

واژگان کلیدی

* دستورگشتاری

* نقشگرایی

* دستور وابستگی

* رده‌شناسی

* دستور سنتی

صادق افتخاری فر* saaf1391@gmail.com

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

چکیده:

جمله یک پاره‌گفتار است که در نظریه‌های زبان‌شناسی بزرگترین واحد تجزیه و تحلیل در نظر گرفته می‌شود. هدف این پژوهش مروری، بررسی ساختمان جمله بر اساس نظریه‌های زبان‌شناسی در کتاب‌های دستور نوشته‌شده در زبان فارسی می‌باشد. پژوهش‌گر می‌خواهد از منظر این نظریه‌ها به ساخت دستوری جمله بنگرد و آنها را با همدیگر مقایسه کند. این مطالعه صرفاً مروری است و به روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده است و با مبنا قرار دادن کتابهای دستور زبان فارسی بر پایه نظریات صورت‌نگار، نقش‌گرا، رده‌شناسی و دستورسنتی داده‌ها را جمع‌آوری، استدلال و نتیجه‌گیری کرده است. نتایج مرور و بررسی نشان داد که دستور گشتاری جمله را به عنوان یک کل بررسی می‌کند و علاوه بر توصیف دست به تحلیل هم می‌زند ولی به نقش ارتباطی جمله کاری ندارد. اما در رده‌شناسی و نقشگرایی بیشتر کنش جمله‌ها مدنظر است. دستور وابستگی تحلیل را با فعل جمله آغاز می‌کند و جمله یک کل است که هسته آن فعل است. مورد دیگر اینکه دستور وابستگی به نقش ارتباطی جمله چندان اهمیتی نمی‌دهد. دستور سنتی جمله را به عنوان یک کل، اما نه در گفتار بلکه بیشتر در متون ادبی بررسی می‌کند. دستور سنتی جمله‌ها را تحلیل نمی‌کند و از شمارش اجزایش فراتر نمی‌رود. در رده‌شناسی یک زبان توصیف می‌شود و نقاط اشتراکش با بقیه زبان‌های در این حیطة سنجیده می‌شود.

۱. مقدمه

جمله^۱ بزرگترین واحد زبانی است که نظریات مختلف زبانشناسی هر کدام از دید همان نظریه به بررسی آن می‌پردازند. در کل جمله را یک پاره‌گفتار بیان شده توسط گوینده در نظر می‌گیرند که خود در ذات خویش حاوی معنایی کامل بوده و قایم به ذات می‌باشد. پژوهشگر در این مطالعه مروری قصد دارد که طی یک بررسی موشکافانه و واپس‌گرایانه دستور زبان‌های مختلفی را که در مورد زبان فارسی نگاشته شده‌اند را مورد بررسی و مرور قرار داده و به بررسی ساخت دستوری جمله در زبان فارسی از منظر نظریات زبانشناسی بپردازد و با تحلیل، تبیین و مقایسه‌شان به یک نتیجه‌گیری جامعی دست پیدا کند. ابتدا ساخت دستوری جمله از دید نظریات صورتگرا^۲ یعنی به ترتیب نظریه^۳ گشتاری‌زایشی^۳ (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱)، نظریه اصول و پارامترها^۴ (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۰) و نظریه^۵ گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی^۵ (طیب‌زاده، ۱۳۹۱) که نظریات به روز عصر حاضر می‌باشند مورد بازبینی قرار می‌گیرد. آنگاه از منظر یکی از نظریات نقشگرای^۶ مطرح یعنی نظریه مقوله و میزان^۷ هالیدی^۸ (باطنی، ۱۳۴۸) ساخت جمله مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس بر اساس مبحث مهم رده‌شناسی^۹ (ماهوتیان، ۱۳۷۸) به جمله نگریسته می‌شود و در نهایت نگرش دستور سنتی (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸) در مورد جمله را پیش کشیده و به بحث گذاشته خواهد شد. در بخش پایانی این مقاله نیز نتیجه‌گیری بر اساس توصیف و مرورهای انجام شده صورت می‌گیرد. در اینجا ابتدا پژوهش‌گر در مورد نظریات گوناگون زبانشناسی توضیحی مختصر ارائه داده تا ابهام اصطلاحات صورتگرایی، نقشگرایی، رده‌شناسی و دستور سنتی برای مخاطب برطرف شود. صورتگرایان همانطور که از نام آن هم مشخص است با صورت^{۱۰} زبان سروکار دارند و جمله را در تحلیل‌های صوری‌شان به عنوان بالاترین واحد تحلیل زبان در نظر می‌گیرند و صورت زبان را چه جمله

^۱Sntence^۲formalism^۳Generative grammar theory^۴Principles & parameters theory^۵dependency grammar^۶functionalism^۷Scale & category^۸Halliday, M. A. K.^۹typology^{۱۰}form

می‌گیرند و صورت زبان را چه جمله باشد و چه واحدی کوچکتر از جمله سوای بافت یا محیط پیرامون بررسی می‌کنند. صورت‌نگرایان اعتقاد دارند که زبان ماهیت صوری دارد و وجود زبان وابسته به صورتهای زبانی‌نحوی می‌باشد و مفاهیم دیگر مانند بافت و نقش ارتباطی را فرع بر صورت در نظر می‌گیرند. چامسکی^۱ و پیروانش از زبان‌شناسان صورت‌نگرا می‌باشند (دبیرمقدم، ۱۳۹۳: ۱۶). اما اصطلاح بعدی یعنی نقش‌گرایی به زبان‌شناسی نقش‌گرا اطلاق می‌شود. نقش‌گرایان بر خلاف صورت‌نگرایان نقش ارتباطی زبان را اصل می‌دانند و صورت را فرع در نظر می‌گیرند. از نظر نقش‌گرایان نقش ارتباطی زبان است که باعث می‌شود صورتهای مختلف جمله مثل صورت خبری، پرسشی و امری ساخته شود و اگر نه هیچ وجود صوری‌ای برای جمله قبل از به وجود آمدن ارتباط در ذهن وجود ندارد. مایکل هالیدی از جمله زبان‌شناسان معروف نقش‌گرا می‌باشد (باطنی، ۱۳۴۸: ۲۰). در رده‌شناسی یکسری ویژگی‌های مشترک و همگانی بین زبان‌های جهان بر اساس یک الگو بررسی و بر اساس آن الگو که بیشتر در قالب یک پرسش‌نامه تدوین شده است دنبال می‌شود (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۸). اما در دستور سنتی هیچ کدام از این مفاهیم مطرح نیست و فقط به توصیف جمله آن هم در شکل سنتی آن پرداخته می‌شود. یعنی اینکه بیشتر در متون کهن و ادبیات نقش جمله را بررسی می‌کنند تا در ارتباطات روزمره و گفتاری واقعی که در ارتباطات بین افراد یک جامعه رخ می‌دهد. این مقاله ساخت دستوری جمله را براساس نظریه‌های ذکر شده بر مبنای مفاهیم زیر مورد بحث، مرور و بررسی قرار می‌دهد: نقش ارتباطی، صورت زبان، جمله، انواع جمله، جملات مرکب و همپایگی. و اینکه این مفاهیم نقاط ضعف و قوت کدام یک از نظریه‌های زبان‌شناسی است و آیا با هم تفاوت یا تشابهی دارند؟

۲. روش پژوهش

همان‌طور که در بالا بیان شد هدف این پژوهش مروری این است که ماهیت جمله را در دستورهای صورت‌نگرا، نقش‌گرا، رده‌شناسی و سنتی روشن نموده و آنها را با هم مقایسه کند. بلکه از درون این بحث کوتاه راه روشنی جهت فهم هر چه بیشتر ماهیت جمله به دست آید. بنابراین شیوه انجام این پژوهش کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی می‌باشد. ابتدا پژوهشگر

^۱Chomsky, N.

داده‌های خام همه منابع مورد نظر را به بحث می‌گذارد و به تبیین و استدلال داده‌ها می‌پردازد و در نهایت در قسمت نتیجه‌گیری نتایج این مطالعه مروری را بیان خواهد نمود. در بخش نظریات صورت‌گرا کتاب‌های زیر به عنوان منبع بازبینی مورد استفاده قرار می‌گیرند:

۱- دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری (مشکات الدینی، ۱۳۹۱).

۲- دستور زبان فارسی واژگان و پیوندهای ساختی (مشکات الدینی، ۱۳۹۰).

۳- دستور زبان فارسی بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی (طیب‌زاده، ۱۳۹۱).

در مبحث نقش‌گرایی و رده‌شناسی به ترتیب منابع زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱- توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی (باطنی، ۱۳۴۸).

۲- دستور زبان فارسی بر اساس رده‌شناسی (ماهوتیان، ۱۳۷۸).

و در نهایت در قسمت دستور سنتی از کتاب زیر استفاده شده است:

۱- دستور زبان فارسی چهارم دبیرستان (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸).

۳. بحث و استدلال بر اساس یافته‌های پژوهش

پژوهشگر در این قسمت یافته‌های این مطالعه مروری را از منابع کتابخانه‌ای ذکر شده در بالا بیان می‌کند. در گام بعدی براساس همین یافته‌ها بحث و استدلال پیگیری خواهد شد. حال ابتدا ساخت جمله را در کتاب دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری دکتر مشکات‌الدینی بررسی و بازبینی می‌شود. جمله در دستور گشتاری توسط به کار بستن قواعد سازه‌ای^۱ که زنجیره‌های زیرین یا اشتقاق‌ها را تولید می‌کند و سپس با به کارگیری سازه‌های واژگانی در

^۱Phrase structure rules

زنجیره‌های یادشده، ژرف‌ساخت^۱ها به وجود می‌آیند ایجاد می‌گردد. مثلا ژرف‌ساخت جمله^۲ "انسان خانه می‌سازد" این است: انسان+ خانه + ساز + حال + سوم شخص مفرد (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱: ۴۶). قاعده‌های مقوله‌ای در اصل مجموعه‌ای از زنجیره‌های اصلی را تولید می‌کند و با به‌کار بستن قواعد مقوله‌ای به همراه قواعد بازگشتی^۳ جمله‌های بی شمار زبان را تولید می‌کند. قاعده‌های بازگشتی جمله را بطور همپایه ویا ناهمپایه به کار می‌بندد (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱: ۶۶). از طرفی دیگر روساخت^۴ جمله بالا از به‌کار بستن قواعد گشتاری مناسب بر ژرف‌ساخت جمله پدید می‌آید. بخش آوایی^۵ بر پایه^۶ روساخت سرانجام چگونگی تلفظ واژه‌ها و جمله را مشخص می‌سازد. از سویی دیگر بخش معنایی^۵ بر حسب ژرف‌ساخت تعبیر معنایی جمله را به دست می‌دهد (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱: ۵۱). در اینجا است که صورتگرایی در نظریه^۶ دستور گشتاری بارز شده و نمایان می‌شود که بخش نحوی بخش اصلی یک زبان است. دکتر مشکات‌الدینی در این کتاب انواع جمله را بر دو نوع می‌داند: جمله ساده و جمله مرکب.

۱) جمله ساده: از لحاظ تجزیه^۶ روساختی جمله ساده تنها سازه‌های روساختی یک جمله اصلی را داراست. مانند جمله‌های زیر:

الف: خدا تواناست.

ب: بخوان.

ج: در روی زمین جانداران زیادی وجود دارد (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱: ۹۹).

۲) جمله مرکب^۶: از لحاظ تجزیه^۶ روساختی جمله مرکب سازه^۶ روساختی بیش از یک جمله اصلی را شامل است. به بیان دیگر از دو جمله یا بیشتر تشکیل می‌شود. مانند:

^۱Deep structure

^۲recursion rules

^۳Surface structure

^۴Phonological component

^۵Semantic component

^۶Complex sentence

الف) علی به کتابخانه رفت و کتابی خواند.

ب) علی کتابی را که تازه خریده بود به نوشین داد (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

در بحث جمله مرکب آنرا بر دو نوع پایه و ناهمپایه تقسیم می‌کند:

۱- جمله مرکب همپایه: جمله همپایه از ترکیب دو یا چند جمله اصلی تشکیل می‌شود. جمله همپایه با یکی از حروف ربط همپایگی مانند "و، یا، اما، ولی" به هم مربوط می‌شوند (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

۲- جمله مرکب ناهمپایه: این جملات از یک جمله پایه و اصلی و یک یا چند جمله وابسته که در یکی از جایگاه‌های نحوی جمله پایه ظاهر می‌گردد تشکیل می‌شود. در جمله وابسته یکی از حروف ربط ناهمپایگی زیر به کار می‌رود: "که"، "تا، اگر، چون، زیرا، زیراکه، هنگامی که، زمانی که، جایی که". یادآوری این نکته لازم است که جمله مرکب همپایه نیز ممکن است که با خود جمله وابسته‌ای^۱ داشته باشد. مثال: "نوشین که تازه از راه رسیده بود خوشحال بنظر می‌آمد و با همه صحبت می‌کرد". (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

کتاب بعدی که در این پژوهش مورد مرور و بررسی قرار می‌گیرد کتاب دستور زبان فارسی واژگان و پیوندهای ساختی دکتر مشکات‌الدینی می‌باشد. این کتاب بر اساس نظریه اصول و پارامترها نوشته شده و به نوعی شکل کامل شده آن می‌باشد. در نظریه اصول و پارامترها جمله را بزرگترین واحد نحوی وساختی در نظر می‌گیرند که از گروه فعلی^۲، گروه اسمی^۳، نهاد^۴، گروه مطابقه^۵ و نیز متمم‌نمأ^۶ یا حرف ربط تشکیل می‌شود (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۰: ۲۲۵). ساختار کلی جمله در نظریه ی اصول و پارامترها به شکل نمودار زیر است:

¹Subordinate clause

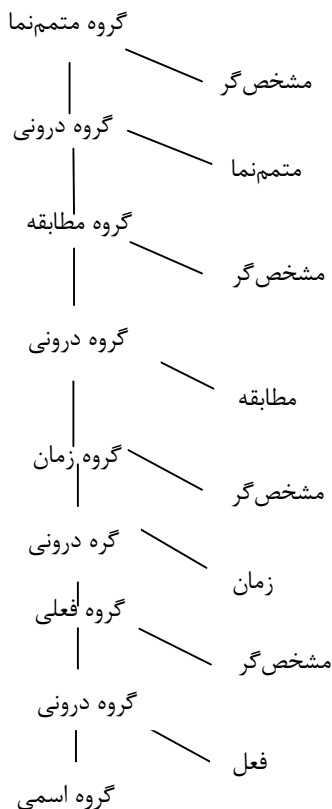
²Verb phrase

³Noun phrase

⁴subject

⁵Agr phrase

⁶complementizer



نمودار شماره (۱): ساختار کلی جمله در نظریهٔ اصول و پارامترها (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۱: ۲۲۷)

در نمودار شماره (۱) گروه‌های نقشی زمان و مطابقه عناصر صرفی فعل را مشخص می‌سازند، به این معنی که گروه نقشی زمان شامل عناصر صرفی زمان، وجه، نمود، نفی، سوی (به ترتیب سوی فاعل و مفعول، معلوم و مجهول)، فعل معین و فعل وجهی را می‌شود. همچنین گروه مطابقه شامل عنصر صرفی مطابقه که بر گروه اسمی نهاد و بر فعل ناظر است را در برمی‌گیرد (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۰، به نقل از چامسکی، ۱۹۸۸). گروه فعلی به همراه گروه‌های نقشی پیوند ساختی جمله و به تبع آن صورت صوتی و معنی آن را مشخص می‌سازد. گروه‌های نقشی زمان و مطابقه درستی صورت صرفی واژهٔ فعل در جمله مورد نظر را از لحاظ زمان و

جابجایی‌های دستوری، محاسبه یا حسابگری دستوری^۱ گفته می‌شود (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

تا بحال پیوندهای ساختی جمله اصلی بیان شد در ادامه به بررسی پیوندهای ساختی جمله مرکب همپایه پرداخته می‌شود. جمله ممکن است که بیش از دو یا چند جمله اصلی پیوند یافته به دنبال هم با یکی از حروف ربط همپایه‌ای "یا"، حرف عطف "و"، یا، اما، ولی" تولید شود. به جمله‌های اصلی درون جمله مرکب بند نیز گفته می‌شود. جمله‌های اصلی یا بندهای سازنده جمله مرکب از لحاظ دستوری مستقل‌اند، به این معنا که هیچ یک بخشی از جمله اصلی دیگر نمی‌باشند. به همین لحاظ به عنوان جمله یا بندهای همپایه در نظر گرفته می‌شوند. مثال: "کتاب بخوانید یا با دوستان تان صحبت کنید" (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۰: ۲۳۵). اما در جمله مرکب ناهمپایه دست کم یک بند اصلی و یک بند وابسته به کار می‌رود. جملات مرکب ناهمپایه انواعی دارد:

الف) جمله مرکب ناهمپایه یا بند موصولی: "کسانی که بیشتر می‌خوانند بیشتر هم می‌نویسند". (بند موصولی در گروه اسمی نهاد). (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

ب) جمله مرکب ناهمپایه‌ای با بند متمم (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۰: ۲۳۸).

ج) جمله مرکب ناهمپایه‌ای با بند قیدی. مثال: "همه دانشجویان آمده بودند زیرا می‌خواستند در جلسه سخنرانی حاضر شوند" (مشکات‌الدینی، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

این خلاصه‌ای بود از ساختار جمله در نظریه‌ی اصول و پارامترها که بر اساس کتاب مبنای بررسی این پژوهش شرح مرور آن گذشت. حال به بازبینی ساختار جمله در تک تک دستورهای دیگر پرداخته می‌شود.

کتاب بعدی که سومین منبع مورد بررسی و مرور ما در مورد نظریات صورت‌گرا به ساختار زبان است، کتاب دستور زبان فارسی بر اساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی دکتر طبیب‌زاده می‌باشد. از دید این نظریه در دستور وابستگی بزرگترین گروه نحوی‌ای که مورد

¹computation

بررسی قرار می‌گیرد جمله است. در دستور وابستگی حکومت مرکزی در جمله از آن فعل جمله است و ایالت‌های خودگردان آن نیز گروه‌های نحوی تشکیل دهنده جمله یعنی انواع متمم‌ها و افزوده‌ها هستند. فعل در مقام هسته جمله حاکم بر روابط خارجی میان گروه‌ها است، اما روابط درونی هر گروه نحوی مستقل از فعل است. به عبارت دیگر هر یک از گروه‌های نحوی کوچکتر از جمله، متشکل از یک حکومت مرکزی یا هسته و چند ایالت خودگردان هستند. به عنوان مثال حکومت مرکزی در گروه اسمی، اسم و در گروه صفتی، صفت است و غیره. در دستور وابستگی تحلیل نحوی از فعل جمله آغاز می‌شود و سپس متمم‌های بلافصل آن به دنبال می‌آیند (طیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۰). اما در دستور زایشی همان‌طور که در بالا نشان داده شد تحلیل نحوی از خود جمله آغاز می‌شود. یعنی تحلیل دستوری در دستور زایشی بر اساس شرح روابط میان کل و جز صورت می‌گیرد. اما تحلیل دستوری در دستور وابستگی بر اساس شرح روابط میان هسته و وابسته است. مثال: "علی کتاب سبز را خواند". هسته جمله بالا فعل (خواندن) است. بقیه اجزا یا مستقیماً وابسته به فعل هستند یا وابسته یکی از وابسته‌های فعل هستند. در این جمله دو گروه اسمی (علی) و (کتاب سبز) هر دو از وابسته‌های مستقیم فعل (خواندن) محسوب می‌شوند که اولی نقش فاعل را دارد و دومی نقش متمم مستقیم (مفعول) را دارد (طیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۷).

در دستور وابستگی روابط میان هسته و وابسته در جمله و گروه‌های نحوی ذیل عنوان کلی روابط وابستگی^۱ بررسی می‌شوند و بر حسب شدت وابستگی میان هسته و وابسته، وابسته‌ها را به دو دسته کلی متمم‌ها^۲ و افزوده‌ها^۳ تقسیم می‌کنند و باز بر حسب شدت وابستگی متمم‌ها به هسته، متمم‌ها را به دو دسته متمم‌های اجباری، متمم‌های اختیاری و افزوده‌ها را نیز به دو دسته افزوده‌های خاص و افزوده‌های عام تقسیم می‌کنند. متمم‌های اجباری بیشترین درجه وابستگی را به هسته خود دارند و افزوده‌های عام کمترین وابستگی را به هسته گروه خود دارند. (طیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷). مثال:

^۱dependency relations

^۲ complements

^۳adjuncts

طبقه متمایز است. یکی بند آزاد^۱ که جایگاه هسته جمله را اشغال می‌کند و دیگری بند مقید^۲ که جایگاه وابسته را اشغال می‌کند (باطنی، ۱۳۴۸: ۶۳-۶۱). در مورد همپایگی و ناهمپایگی دکتر باطنی بحث تکرار^۳ را مطرح می‌کند و آن را بر دو نوع تکرار همپایه و تکرار ناهمپایه می‌داند.

تکرار همپایه^۴: در تکرار همپایگی همه عناصر از نظر ساختمانی دارای ارزش برابر بوده یعنی با هم همپایه‌اند. در این نوع تکرار هیچ عنصری از نظر ساختمانی تابع و پیرو عنصر دیگری نمی‌باشد. در تکرار همپایه عناصر به وسیله "و" و "یا" به هم متصل می‌شوند. در نوشتار "ویرگول" و در گفتار "مکث" هم می‌تواند نقش رابط را بر عهده بگیرد.

مثال:

۱- باید به او تلفن کرد، یا برایش نامه نوشت یا، مستقیماً پیش اش رفت.

۲- فرشته چشمانش را بست، لبانش را محکم روی هم نهاد و سرش را به علامت انکار تکان داد.

تکرار ناهمپایه^۵: در تکرار ناهمپایه همه عناصر از نظر ساختمانی دارای ارزش برابر نبوده یعنی همپایه نیستند. در این نوع تکرار بعضی عناصر تابع عناصر دیگر هستند. مثال: "چون شما اصرار کردید من گفتم که آن را برگردانند". دقت شود که تکرار هسته همیشه از نوع همپایه است ولی تکرار وابسته می‌تواند از نوع همپایه و ناهمپایه هر دو باشد (باطنی، ۱۳۴۸: ۶۵).

جمله خوشه‌ای: جمله خوشه‌ای از اجتماع جمله‌های هسته‌ای تشکیل می‌شود. جمله هسته‌ای سازنده جمله خوشه‌ای به وسیله "و" و "یا" به همدیگر قلاب شده‌اند. حداقل ساختمان یک جمله خوشه‌ای دو جمله هسته‌ای است که یکی از آنها الزاماً بایستی دارای وابسته باشد. مثال: "معمولاً آنها از این طرح استقبال نخواهند کرد اگرچه به نفعشان باشد و اگر شما فایده این

^۱ free clause

^۲ bound clause

^۳ recursion

^۴ paratactic recursion

^۵ hypotactic recursion

طرح را ثابت نکنید آنرا نمی‌پذیرند". این مثال یک جمله ی خوشه‌ای است که از اجتماع دو جمله هسته‌ای تشکیل شده است، فرمولش به شکل زیر است: "ه + و + ه و". (باطنی، ۱۳۴۸: ۷۲).

پنجمین منبع مورد مرور، کتاب دستور زبان فارسی شهرزاد ماهوتیان است که از دیدگاه رده‌شناسی به دستور زبان فارسی می‌نگرد. در رده‌شناسی یکسری ویژگی‌های مشترک و همگانی زبان‌های جهان دنبال می‌شود. در قرن بیستم ژوزف گرینبرگ^۱ سردمدار رده‌شناسی زبانی بود و در قرن بیست‌ویکم و هم‌اکنون برنارد کامری^۲ در رده‌شناسی صاحب‌نظر است (حق‌شناس، ۱۳۸۹: ۳۵۹). اگر به تیتراهای کتاب دکتر ماهوتیان نگاه شود می‌بینیم که از یک روال مشخصی پیروی کرده و به گفته خود مؤلف بر اساس یک پرسش‌نامه که روی رده‌شناسی زبانی کار می‌کند، این کتاب نگاشته شده است و باید چنین هم باشد چرا که وقتی بحث از رده‌شناسی به میان می‌آید باید یک الگو یا به قولی یک قالب^۳ وجود داشته باشد که بتواند داده‌های زبانی را در قالب آن ریخته و از درون آن نقاط مشترک و متفاوت یک زبان با زبان‌های دیگر متبلور شوند و بتوانند به پیشرفت و رشد مبحث همگانی‌های جهانی زبان‌های بشری کمک کنند (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۸-۷). کتاب در چهار بخش نحو، صرف، واج‌شناسی و واژگان نگارش یافته است. نویسنده در بخش اول که مربوط به نحو است ابتدا ویژگی‌های کلی زبان فارسی را برمی‌شمارد و سپس به سراغ جمله می‌رود. از نظر ایشان جمله به سه نوع خبری، پرسشی و امری در فارسی تقسیم می‌شود که بیشتر از منظر نقش ارتباطی مورد بررسی قرار می‌گیرند (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۱۹). از نظر نویسنده فارسی زبانی ضمیرافتان است و ترتیب متعارف و پایه برای جملات زبان فارسی از "فاعل + مفعول + فعل" است (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۱۷). در مبحث بعدی که مباحث ساختاری است ساختار درونی جمله بررسی می‌شود. ساختار درونی جمله خود مشتمل بر دو نوع است: ۱- جمله ربطی ۲- جمله فعلی.

¹Grinberg, J.

²Commry, B.

³ prototype

۱- جمله ربطی: ترتیب کلمات به صورت "فاعل + مفعول + فعل ربطی" می‌باشد. فاعل در جملات ربطی اختیاری است (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۵۱). ترتیب سازه‌ها در جمله ربطی به شکل زیر است:

- "فاعل) + (مفعول مستقیم) + (گروه اضافه) + فعل". مثال: اون مرد استادمه.

- "فاعل) + (متمم صفت) + (گروه اضافه) + فعل ربطی". مثال: ماشین پسر آبی (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۵۲).

- "فاعل) + (قید) + (گروه اضافه) + فعل ربطی". مثال: ویدا همیشه دیره (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۵۳).

۲- جمله فعلی: در زبان فارسی فاعل ساختگی یا فعل‌هایی که از لحاظ معنایی بدون فاعل باشند، وجود ندارند. اما چون زبان فارسی ضمیرافتان است، فاعل را اغلب حذف می‌کنند. فاعل محذوف را می‌توان با شناسه فعل یا از روی نشانه‌های کاربردی که در سیاق کلام وجود دارند، بازشناخت. مثال: "رفتیم" (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۵۵).

فعل‌ها به صورت متعدی و یا لازم و هم متعدی و هم لازم می‌توانند به کار روند. فعل‌هایی مثل "آمدن و رفتن" فقط لازم‌اند و فعل‌های ایستایی^۱ نظیر "خوردن، آشامیدن، شنیدن و نشستن" از فعل‌هایی‌اند که هم بصورت لازم و هم متعدی به کار می‌روند. مثال:

۱- بارون میاد.

۲- تا ظهر خوابید.

۳- صدای بلند شنیدم.

۴- شنیدم (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۵۵).

ترتیب سازه‌ها در جمله‌هایی که همه وابسته‌ها در آنها وجود داشته باشند چنین است:

۱- فاعل ۲- قید زمان ۳- مفعول مستقیم ۴- وابسته مکانی ۵- وابسته اندری ۶- وابسته بهره‌ور یا مقصدنما

۷- وابسته ابزاری. البته ترتیب سازه‌ها را برای تاکید و یا برای در تقابل قرار دادن آنها می‌توان تغییر داد (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۵۷).

در این کتاب تا به بحث همپایگی برسد چیز خاصی دیگری در مورد جملات مطرح نمی‌شود. در بحث جملات همپایه ایشان می‌آورد که گویشوران جملات را به صورت‌های زیر همپایه می‌کنند:

۱- استفاده از حرف ربط همپایگی "و". مثال: من بالا را تمیز می‌کنم و شیرین پائینو.

۲- استفاده از حرف ربط "[و]" و "و": مثال: ورزش داشت و خوردش.

۳- استفاده از حرف ربط تقابل یعنی "ولی و اما". مثال: من رفتم مهمونی ولی ماهدخت موند خونه.

۴- استفاده از حرف ربط انفصال یعنی "یا". مثال: قهوه مخوای یا چای (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۷۹-۸۱).

در ادامه برای هر کدام مثال‌هایی زده می‌شود و ساختمان آنها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد که بیشتر شبیه مثال‌های کتاب‌های قبلی است که از کتاب دکتر باطنی مثال‌هایی مطرح شد.

ششمین و آخرین کتابی که در اینجا برای مرور ساخت دستوری جمله مورد بررسی قرار می‌گیرد کتاب دستور زبان فارسی چهارم دبیرستان غلامرضا ارژنگ و علی‌اشرف صادقی است که این کتاب براساس دستور سنتی تالیف شده است. در این کتاب آمده است که جمله سخنی است که حداقل دارای دو جزء اصلی باشد: "نهاد و گزاره" (من رفتم - احمد آمد). گزاره هسته جمله است و کلمه یا گروهی از کلمات است که گوینده به وسیله آن مطلب اصلی‌اش را

بیان می‌کند. گزاره معمولاً فعل یا گروه فعلی می‌باشد. نهاد کلمه یا گروهی از کلمات است که در ساختمان جمله همراه گزاره می‌آید و انجام یافتن مفهوم گزاره را عملی می‌کند یعنی موجب عملی شدن مفهوم گزاره می‌شود. نهاد در زبان فارسی به دو گونه است: "نهاد اختیاری" و "نهاد اجباری". نهاد اجباری همان شناسه است که در ساختمان فعل هر جمله قرار دارد. نهاد اختیاری فعل یا ضمیری است که همراه فعلی در جمله می‌آید ولی می‌توان آن را از جمله حذف کرد زیرا بدون آن هم جمله کامل است. جدول زیر این امر را نشان می‌دهد (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸: ۱):

گزاره و نهاد اجباری		نهاد اختیاری
م_	رفت...	-----
م_	رفت....	من

هر گاه نهاد جاندار بر بیش از یکی دلالت کند معمولاً شناسه فعل جمع خواهد بود. مثال: "شما رفتید"، "سربازان می‌روند" (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸: ۲).

انواع جمله:

۱- جمله دو جزئی:

الف - جمله‌های فعلی لازم: "نشستم (نشست + م_)"

ب - جمله‌های اسمی: "توقف ممنوع - چشم‌روشن - شب خوش"

۲- جمله سه جزئی:

الف- جمله‌های ربطی: "خوبم - درست است - بیماری...؟"

ب- جمله‌های فعلی متعدی: " احمد را دیدم (احمد + دید + م) " .

۳- جمله‌های چهار جزئی:

الف - جمله‌هایی با مفعول و یک کلمه دیگر: " او را عاقل پنداشتم " .

ب- جمله‌هایی با فعل دو مفعولی: " او را احمد نامیدند " .

ج- جمله‌های غیرشخصی: " خنده‌اش گرفت - سردش می‌شود " .

شبه‌جمله: شبه‌جمله سخنی است که تنها یک بخش دارد و مفهوم کاملی را بیان می‌کند: " سلام! افرین! دقت! خاموش! " (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸: ۳).

انواع جمله از لحاظ وجه فعلی:

۱- جمله خبری: جمله‌ای است که فعل آن وجه اخباری باشد. در این جمله مطلبی به صورت خبر بیان می‌گردد.

۲- جمله التزامی: جمله‌ای است که فعل آن را وجه التزامی باشد. جمله التزامی معمولاً به صورت جمله پیرو به کار می‌رود. مثال: رفتم که او را ببینم. می‌خواهم به گردش بروم. جمله التزامی می‌تواند پرسشی هم باشد: " آیا به گردش بروم؟ " .

۳- جمله امری: جمله‌ای است که فعل آن وجه امری است. جمله امری فرمان توصیه یا خواهشی را دربردارد.

مثال: " خانه ما بیا "، " لطفاً این کتاب را بگیر " . (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸: ۸-۶).

جمله‌های مرکب: ارژنگ و صادقی جملات مرکب را متشکل از حداقل دو جمله می‌دانند. جمله‌ای که مستقل است و به تنهایی می‌تواند به کار رود را جمله پایه یا جمله اصلی می‌دانند و جمله‌ای را که وابسته به جمله اصلی است جمله پیرو یا تبعی می‌دانند (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸: ۸۲). از دید ایشان وابستگی جمله پیرو به پایه به چند طریق صورت می‌گیرد:

- ۱- توسط پیوندهای وابستگی از قبیل (که، اگر، چون، تا، مگر، زیرا، وقتی). که این‌ها را پیوندهای وابستگی ساده معرفی می‌کنند. گروه دیگر پیوندهای وابستگی گروهی‌اند که شامل موارد زیر می‌شوند: "اگر که، چون که، زیرا که، وقتی که، تا که، در صورتی که و ...". نوعی پیوندهای وابستگی گروهی هم وجود دارند که پیوسته نیستند و گسسته می‌باشند. در این پیوندها اجزا سازنده پیوند پشت سر هم قرار نمی‌گیرند. جزء اولش در اول جمله پایه قرار دارد و جزء دوم که همیشه "که" است در پایان جمله می‌آید. مثال: "وقتی که او آمد ما بیرون رفتیم". در این جمله "ما بیرون رفتیم" جمله پایه است.
- ۲- توسط وجه فعل: گاهی اوقات التزامی بودن فعل نشانگر پیرو بودن جمله است. مثلا جمله زیر چون وجهش التزامی است لذا جمله پیرو است: مثال: "می‌خواهم به سفر بروم".
- ۳- آهنگ جمله. مثال: "شمع را بردند اتاق تاریک شد". آهنگ خاص جمله اشاره بر این دارد که اتاق تاریک شد چون شمع را بردند لذا جمله "اتاق تاریک شد" پایه است و "شمع را بردند" جمله پیرو است.
- ۴- توالی جمله‌ها. مثال: کوشش کنیم موفق شویم (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸: ۸۴-۸۳).
- بنا به نظر ارژنگ و صادقی عواملی که نشان دهنده جملات پیرواند را نقش‌نما می‌نامند. جملات پیرو نقش‌هایی مانند زیر می‌گیرند:
- الف- نهاد جمله پایه. مثال: "حیف است که تو نباشی".
- ب- مفعول بی‌واسطه جمله پایه. مثال: "قبول کرد که نباید این کار را می‌کرد".
- پ- مفعول باواسطه جمله پایه. مثال: "می‌ترسم امروز هوا سرد باشد".
- ت- در حکم گزاره برای جمله پایه. مثال: "یکی از نیازهای طبیعی این است که دیگران را دوست بداریم". (ارژنگ و صادقی، ۱۳۵۸: ۹۳-۹۱).

۴. نتیجه‌گیری

در قسمت پیش داده‌های مورد مرور، به بحث و بررسی گذاشته‌شد. در این قسمت نتایج حاصله بیان می‌شود. همان‌طور که در مقدمه بیان شد مبنای بحث و استدلال‌ها مفاهیم نقش ارتباطی، صورت زبان، جمله، انواع جمله، جملات مرکب و همپایگی می‌باشند. ابتدا نقش ارتباطی بررسی می‌شود. نظریه نقش‌گرایی نقش ارتباطی زبان را اصل و باقی چیزها مثل صورت و معنا را فرع بر ارتباط می‌داند. بطوری که این مورد را در سرتاسر کتاب دکتر باطنی که بر اساس نظریه مقوله و میزان هالیدی نوشته شده است، به وضوح می‌توان دید. اما در بحث جمله آنچه در این کتاب مطرح شده است به این شرح است که جملات به انواع هسته‌ای و خوشه‌ای تقسیم می‌شوند. هر کدام از این جملات وابسته‌هایی دارند و کاملاً مبحث نقش ارتباطی گفتار و متن نوشتاری در تعریف و تبیین جمله به چشم می‌خورد. نقش ارتباطی در رده‌شناسی نیز مورد توجه قرار گرفته و در توصیف و تبیین زبان هم مورد توجه این نظریه می‌باشد. اما در نظریات گشتاری زایشی، اصول و پارامترها و در دستور وابستگی به نقش ارتباطی زبان اهمیتی داده نمی‌شود و از منظر صورت به جمله نگریسته می‌شود تا جایی که چامسکی تصور حوزه‌ای بودن زبان در ذهن را به درون ساخت جمله هم می‌برد. دستور وابستگی کاملاً در شرایط مصنوعی و آزمایشگاهی جملات زبان را بررسی می‌کند و به نقش ارتباطی و معنا کاری ندارد. در دستور سنتی به هیچ یک از این مفاهیم اهمیتی داده نمی‌شود و فقط زبان توصیف می‌شود و آن هم بیشتر در متون ادبی کهن و قدیمی. این مفاهیم در طبقه‌بندی انواع جملات نیز نفوذ کرده به طوری که نقش‌گرایی انواع جملات را مشتمل بر خبری، پرسشی، امری، التزامی و دعایی تقسیم می‌کند. ولی نظریه گشتاری زایشی انواع جملات را با توجه به مفهوم بند و گروهها طبقه‌بندی می‌کند. مثلاً جمله مرکب با بند متمم، با بند قیدی، بند موصولی و ... در بحث همپایگی همه نظریات تقریباً یک چیز را بیان می‌کنند با این تفاوت که در دستور زایشی و نظریه اصول و پارامترها مفاهیم مجرد و انتزاعی همانند رد^۱، گشتارها، مفاهیم نقشی مطابقه، تصریف و متمم‌ساز، بازگشت‌پذیری مطرح می‌شوند که باعث شده است درک ما از مفهوم جمله ژرفا پیدا کند. یک نکته که ذکر آن ضروری است این است که دکتر باطنی در کتابش از بازگشت‌پذیری تحت عنوان تکرار یاد می‌کند که آن را بر دو

^۱trace

نوع تکرار همپایگی و تکرار ناهمپایگی می‌داند. مورد آخری که بایستی مطرح شود این است که نظریه‌های دستورگشتاری، اصول و پارامترها و نقشگرایی همانند دستور سنتی جمله را به دو شق نهاد (گروه اسمی) و گزاره (گروه فعلی) تقسیم می‌کنند اما این مفهوم در نظریه گروههای خودگردان در دستور وابستگی مطرح نمی‌شود و این نظریه تجزیه و تحلیل را با فعل جمله به عنوان هسته آن آغاز می‌نماید و جمله را دوشقی نمی‌کند. دستور وابستگی جمله را به مثابه یک کل یا یک حوزه مستقل در نظر می‌گیرد که هسته‌ای دارد و باز این حوزه مستقل در درون خود حاوی حوزه‌های مستقل دیگری مثل گروههای اسمی، قیدی، صفتی و حرف اضافه می‌باشد که هر کدام هسته‌ای دارند و بین آنها روابط وابستگی برقرار است و فعل به عنوان هسته جمله ناظر بر روابط خارجی میان این گروههاست. اما روابط درونی هر گروه تحت نظارت هسته همان گروه قرار دارد.

منابع

- ارژنگ غلامرضا، صادقی علی‌اشرف (۱۳۵۸). دستور زبان فارسی چهارم دبیرستان، چاپخانه گیل، وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- باطنی، محمدرضا، (۱۳۴۸). توصیف ساختمان دستور زبان فارسی بر بنیاد یک نظریه عمومی زبان، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- دبیرمقدم، محمد، (۱۳۹۳)، زبانشناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی، ویراست دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- سورن، پیتر، آ. ام، (۱۳۸۹)، حق‌شناس، علی‌محمد (مترجم)، مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب (بخشی از کتاب زبانشناسی در غرب)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
- طیب زاده، امید، (۱۳۹۱)، دستور زبان فارسی بر اساس نظریه‌ی گروههای خودگردان در دستور وابستگی، نشر مرکز، تهران.

ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸)، سماعی، سید مهدی (مترجم)، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده شناسی، نشر مرکز، تهران.

مشکات‌الدینی، مهدی (۱۳۹۱)، دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری، ویرایش دوم، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

مشکات‌الدینی، مهدی (۱۳۹۰)، دستور زبان فارسی واژگان و پیوندهای ساختی، ویراست دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.